



انتظار از دانشگاه اسلامی



دکتر سید علی اکبر جعفری موسوی
دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اهواز

مقدمه

تعلیم و تربیت موضوعی است که از زمانهای گذشته به اشکال مختلف مطرح بوده و همیشه توجه بشر را به خود معطوف داشته است و در تمام عصرها از اهمیت والایی برخوردار بوده است. علاوه بر پیامبران الهی که رسالت و مسئولیت تعلیم و تربیت جوامع بشری را بعهده گرفته بوده‌اند، دانشمندان و اندیشمندان هر جامعه و ملتی همگام با آنان در این رهگذر می‌کوشیده‌اند. دانشمندان نظریه‌ها و عقاید خود را بصورت کتابهای فراوانی در این زمینه نوشته

و منتشر کرده‌اند و کوششهای آنان هنوز در این زمینه به وضع چشمگیری ادامه دارد. می‌توان ادعا کرد که هرگونه اصلاح و زمینه پیشرفت هر جامعه بستگی به دانش و بینش افراد آن جامعه دارد و همانطوریکه مستحضرید تعلیم و تربیت است که می‌تواند این بینش و دانش را برای جامعه تضمین کرده و رسالت نشر علم و تقویت عقل و تهذیب نفوس مردم را بخوبی ادا نماید. کانت معتقد است که بشر فقط بوسیله تعلیم و تربیت می‌تواند آدم شود و می‌گوید آدمی مفهومی بغیر از آنچه تربیت از او می‌سازد ندارد

و آموزش و پرورش تنها وسیله انحصاری است که انسان را به کمال مطلوب و هدف غائی می‌رساند و این امر که به شکل غیررسمی توسط جامعه و خانواده و در شکل رسمی توسط نهادهای آموزشی و در سطح عالی توسط دانشگاهها انجام می‌شود و برای آنکه این نهادها بهتر درک شوند و کار و اهداف آنها تحلیل گردد لازم است کالبد شکافی شده و مورد بحث و بررسی قرار گیرند. هنگامیکه بحث دانشگاه اسلامی مطرح می‌شود دو بحث اولویت پیدا می‌کند اولاً: دانشگاه بطور اعم یعنی چه؟ ثانیاً: دانشگاه اسلامی یعنی چه و ما از دانشگاه اسلامی چه انتظاری داریم؟

دانشگاه

دانشگاه بطور اعم یا دانشگاههای موجود، مؤسسات آموزشی هستند که در رژیم گذشته تاسیس شدند و اینها یک ظاهری دارند و یک باطنی، ظاهر آنها مانند تمام مؤسسات آموزشی در سایر جاهای دنیاست که در آن نیز حرف و بحث بسیار است و اما باطن آنها بر می‌گردد به اهداف و نیت موسسین اصلی آنها زیرا اولین سنگری که دشمن به آن توجه دارد و برای آن برنامه‌ریزی می‌کند دانشگاه است. قاعدتاً دانشگاه باید برخاسته از نیازها، فرهنگ، اصول و روش زندگی یک ملت باشد تا جابجا بتواند رهگشا بوده و استقلال فرهنگی و علمی را به ارمغان آورد.

حضرت امام را حل در این مورد می‌فرمایند «بالاترین چیزی که دشمنهای کشورهای مستضعف و کشورهای اسلامی از طرف مخالفین با بشریت انگشت رویش گذاشتند

دانشگاه است» و یا «دانشگاه که مرکز علم است و مغز متفکر جامعه است ما می‌گوییم اینها باید اسلامی باشد نمی‌گوییم که ما احتیاج به متخصص نداریم تا آنجا که اسلام کوشش دارد و برای متخصص که در احکام عادی هم در احکام شرعی هم درد این است که کشور ما را آن طور در این سنین زیادی که خارجی‌ها پا باز کرده‌اند به او و خصوصاً در این ۵۰ سال دوره سیاه پهلوی آنطور تبلیغات کرده بودند و کردند که آنها می‌خواهند در ذهن ملت ما و جوانهای ما متمرکز کنند که ایران اسلامی از عهده اینکه یک علمی را، یک تخصصی را یک صنعتی را ایجاد کند عاجز است» (۱) این بحث نارسا بودن سیستم آموزشی و دانشگاه و عدم تجانس آن با انقلاب اسلامی که یک انقلاب فرهنگی است مطرح گردید و چون دانشگاههای ما وابسته به غرب و تصویر برداشته شده از آنجا بودند که این امر با تعلیم و تربیت و فرهنگ اسلامی در تضاد بوده، نتیجتاً یک حرکتی در جهت تغییر این سیستم و بوجود آوردن یک دانشگاهی متناسب با نیازهای جامعه و فرهنگ اسلامی ایجاد نمود. حضرت امام را حل مانند سایر امور انقلاب در پیشاپیش امت می‌فرماید «باید در دانشگاه عمل بشود، فرم را از آن فرم عوض کنید نترسید» (۲) یا «باید انقلاب اساسی در دانشگاههای سراسر کشور بوجود آید.» (۳) بالاخره نتیجه این فکر و حرکت انقلابی نفی نظام آموزش عالی منجر به انقلاب فرهنگی و تعطیل دانشگاهها جهت تشکیل نهادهای لازم برای اداره این حرکت انقلابی و تعیین تکلیف در این مورد شد. پس از تشکیل ستاد انقلاب فرهنگی و جهاد دانشگاهی و نهادهایی مانند نشر دانشگاهی و سازمان

مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) و یا دفتر همکاری حوزه و دانشگاهها، کلیه صاحب نظران و اندیشمندان کشور طرحها و ایده‌های خود را مطرح کرده که بعضاً به بسیاری از تغییرات انجامید ولی علی‌رغم این مطالب رهبران و اندیشمندان صاحب صلاحیت همیشه ضمن تایید فعالیت‌های انجام شده، عدم رضایت خود را از نرسیدن به آن مرحله کمال که اصطلاحاً دانشگاه اسلامی است بیان داشته بطور مثال در آذر ماه سال ۷۱ مقام معظم رهبری در جلسه ملاقات روسای دانشگاهها درباره عدم هماهنگی امور دانشگاهی با ارزش‌های انقلاب دستور رسیدگی و بررسی صادر می‌نمایند و یا در سال ۷۴ مجدداً از وضعیت دانشگاهها عدم رضایت خود را اعلام داشته و راجع به اسلامی شدن دانشگاه مطالبی ایراد می‌فرمایند و بالاخره در دیدار ۷۵/۲/۲۹ وزیر و معاونین وزارت فرهنگ و آموزش عالی و مسئولین دانشگاههای سراسر کشور بصراحت می‌فرمایند:

«اگر می‌خواهید کاری بکنید که برای شما در تاریخ این کشور بماند، آن کار این است که دانشگاه این کشور را اسلامی کنید. این یک تحول بنیادین است. این با یک ذره یا دو ذره، با تصمیم‌گیری‌های جزئی و تبعی انجام نخواهد شد، بلکه با یک تصمیم‌گیری کلان عملی می‌شود. این تصمیم‌گیری را هم شما باید بکنید. من طرفدار راه‌های دیگر نیستم سبک راه‌هایی که در بعضی از کشورهای معروف دنیا، به صورت غیرمنطقی و غیرصحیح انجام شد. به خیال خودشان خواسته‌اند که یک انقلابی در زمینه مسائل فرهنگی به وجود بیاورند. من طرفدار سبک صحیح و مدون و قانونی و اندیشیده و حساب

شده هستیم. بنابراین کار روی دوش شما می‌افتد. روی این قضیه جداً فکر کنید.»

شهید مظلوم آیت الله دکتر بهشتی در پاسخ سوالی در مورد رسالت دانشگاهها می‌فرماید:

«انقلاب در ارزشها یعنی این انقلاب فرهنگی، باید همواره ادامه داشته باشد برای اینکه رسوبات فرهنگی یعنی ضد فرهنگ انقلاب در عادات، رسوم، آداب، در ادبیات و هنر، در شکل زندگی اجتماعی، در کیفیت معاشرت‌ها و کیفیت روابط اجتماعی اقتصادی و سیاسی و خانوادگی و شادی و غم و در همه این شئون زندگی انسانی هست و این رسوبات را باید شستشو داد که این با تداوم انقلاب فرهنگی برای مقابله با ضد ارزشها یک حرکت مستمر و ادامه دار است و برای حفظ ارزشهای انقلاب و جایگزین کردن این ارزشها با ارزشهای قبلی می‌بایست تلاش کرد.» (۵).

دانشگاه اسلامی

دانشگاه اسلامی چیست؟ هر کس باندازه وسعت دید و ایده‌آل‌های خود و تکیه بر تجارب و بعضاً در رابطه با بعضی از نیازهای جامعه و یا رابطه شغلی و حرفه‌ای خود تصویری از اولویت‌های دانشگاه را مطرح می‌کند که به آن خواهیم پرداخت ولی شاید بهتر باشد اول این موضوع را مورد بررسی قرار دهیم که اصولاً وظیفه دانشگاه چه می‌باشد و اهداف آن چیست؟ کار دانشگاه تعلیم و تربیت انسان می‌باشد. در کار تعلیم و تربیت، بحث ساختن افراد انسان مطرح است و در واقع ساختن (صنعت) بیشتر صدق می‌کند و آن نوع تربیتی است که در آنجا انسان مانند یک شیء فرض می‌گردد که برای

منظور و یا منظورهایی ساخته می‌شود، و البته چیزی که در این ساختن منظور نیست خود آن ماده مورد نظر است. سازنده و صنعتگر هدف خاص خودش را دارد و از ماده‌ای که می‌خواهد صنعتی بسازد بعنوان یک شیئی استفاده می‌کند، هر عملی که با منظورش وفق بدهد بر روی آن چوب یا فلز انجام می‌دهد و ای بسا که آنچه او انجام می‌دهد، اگر از نظر آن شیئی در نظر بگیریم، خراب کردن و ناقص کردن است، ولی از نظر صنعتگر این خود نوعی صنعت است. مثلاً انسان به گوسفند به نظر شیئی که می‌خواهد از آن استفاده بکند نگاه می‌کند. ارزش گوسفند برای انسان از آن نظر است که به چه صورت مورد استفاده او قرار می‌گیرد. حالا گوسفند نری را در نظر می‌گیریم انسانی که می‌خواهد از آن استفاده کند ابتدا در فکر چاق کردن گوسفند است، چه به قصد فروش و چه آنکه بخواهد از گوشت آن استفاده کند. زیرا گوسفند به حال طبیعی رها شود تحریکات جنسی دایماً او را به اطراف می‌کشاند و این جور نیست که سرش را پائین انداخته و علف بخورد تا چاق شود، لذا انسان در فکر می‌افتد که گوسفند را اخته کند در آن صورت است که این حیوان دیگر سرش را پائین می‌اندازد و فقط به علف خوردن مشغول می‌شود و با خیال راحت، بدون حواس پرتی از علف‌های صحرا استفاده می‌کند، کم‌کم چاق می‌شود و سپس انسان از گوشت آن استفاده می‌کند. در چنین صورتی از نظر یک انسان، اخته کردن گوسفند کامل کردن گوسفند است، ولی از نظر خود گوسفند چطور؟ آیا از نظر خود گوسفند تکمیلش کرده‌اند یا ناقصش کرده‌اند؟ مسلماً از نظر گوسفند نقصی در او به وجود آورده‌اند. عین

همین حرف در مورد غلامها صادق است. غلامها را که در قدیم خواجه می‌کردند از نظر خود غلام نقصی در او ایجاد می‌کردند، ولی از نظر آنهایی که می‌خواستند از این بردگان استفاده کنند کمالی در او ایجاد کرده بودند، یعنی دیگر بهتر می‌توانستند به صورت یک ابزار در حرمسرا و غیر حرمسرا از آنها استفاده کنند. به طور کلی در تربیت روحی انسانها در این گونه دانشگاهها نیز عین این مطلب وجود دارد گاهی یک مکتب منظوری را در نظر می‌گیرد و می‌خواهد انسان را جوری بسازد که آن منظور تامین شود، علی‌رغم آنکه در این راه در انسان کاستیهایی به وجود بیاورد یا بعضی از احساسات طبیعی را از او بگیرد، در نتیجه نقص روحی یا جسمی در انسان ایجاد کند. گاهی نیز در تربیت، مکتب در خدمت انسان است، یعنی مکتب منظوری از خودش بیرون از انسان ندارد، هدف او به سعادت رساندن انسان است و بس. به اصطلاح مکتبی می‌شود انسانی، مکتب تربیتی انسانی، مکتبی است که هدف آن مکتب بیرون از خود انسان نیست، یعنی بر اساس به کمال رساندن انسان است. قبلاً مغز دانشجو و فراگیر را به منزله انباری فرض کرده‌اند که یک سلسله معلومات باید در آن ریخته شود. امروزه همه این را نقص می‌شمارند که استاد تنها بخواهد یک سلسله معلومات، اطلاعات، فرمولها را در مغز دانشجوی خود بریزد و حافظه را انباری فرض کند. ذهن دانشجو بشود حوضی که آبها در آن جمع گردد. هدف تعلیم باید بالاتر باشد. استاد باید نیروی فکری دانشجو را پرورش دهد و او را بسوی استقلال رهنمون شود. باید قوه ابتکار او را زنده کند یعنی در واقع کار معلم جرقه‌زدن

است. می‌دانیم که فرق است میان تنوری که در آن هیزم و چوب جمع است و فقط ما از خارج یک کبریت به آن می‌زنیم و آن چوبها و هیزمها خود کم‌کم مشتعل می‌شود تا از خارج کمی شعله وارد تنور کنیم. دانشگاهها برای رسیدن به اهداف خود دارای وظایفی هستند که اهم آنها عبارتست از:

۱- داشتن روح علمی

۲- شناخت واقعیت‌ها بطور اعم و واقعیت‌های اجتماعی بطور اخص در جهان و منطقه.

۳- رشد و تعالی علوم

۴- شناخت روش‌های انجام کار و بهبود و اصلاح آنها به نفع جامعه بشری

۵- رشد انسانها بطور فردی و جمعی

۶- تربیت اندیشمند و مربی یا مدرس جهت استمرار وظایف دانشگاه

۷- طرح ریزی و برنامه‌ریزی جهت اصلاح امور جامعه و راهگشایی در حل معضلات جامعه

۸- فراهم کردن شرایطی که تحقیق و پژوهش‌های علمی و کاربردی را آسان سازد.

۹- پیوند بین علم و عمل

۱۰- رشد تخصصی و حرفه‌ای

قبل از آنکه تعریفی از دانشگاه اسلامی ارائه نماییم، باید ببینیم اسلام از انسان چه تعریفی دارد تا بدانیم محصول دانشگاه چه مشخصات و ویژگیهایی باید داشته باشد:

در قرآن مجید در سوره فرقان ویژگیهای بندگان خداوند از آیه ۶۲ به بعد ذکر شده است البته بندگان خاص خداوند و آنها که مورد توجه او هستند.

۱- بر روی زمین با تواضع و فروتنی راه می‌روند و هرگاه مردم جاهلی به آنها خطاب

(و عتابی) کنند با سلامت نفس (و زیان خوش) جواب دهند (۶).

۲- شب را به سجده و قیام نماز برای رضای خدا روز کنند (۷).

۳- دائم به دعا و تضرع گویند پروردگارا عذاب جهنم را از ما بگردان که نعمت عذاب مهلک دائمی است. که آنجا بسیار بد قرارگاه و بدمنزله‌گامی است (۸).

۴- هنگام انفاق به مسکینان اسراف نکرده و بخل هم نورزند بلکه در احسان میانه رو و معتدل باشند (۹).

۵- با خدای یکتا کسی را شریک نمی‌خوانند و نفس محترمی را که خدا حرام کرده به قتل نمی‌رسانند و هرگز کرد عمل زنا نمی‌گردند (۱۰).

۶- به ناحق شهادت ندهند و هرگاه به عمل لغوی (از مردم غافل) بگذرند بزرگوارانه از آن درگذرند (۱۱).

۷- هرگاه متذکر آیات خدای خود شوند کرو کورانه در آن آیات نتگردند (بلکه با دل آگاه و چشم بینا مشاهده آن کنند) تا بر مقام معرفت و ایمانشان بیفزاید (۱۲).

۸- هنگام دعا با خدای خود گویند پروردگارا ما را از جفتمان فرزندانانی مرحمت فرما که (خلف صالح و) مایه چشم روشنی ما باشند و ما را (سرخیل پاکان و) پیشوای اهل تقوی قرار ده (۱۳).

بالاخره انسانی با این مشخصات مقامش بجایی می‌رسد که خداوند در قرآن می‌فرماید او را جانشین خود قرار دادم (۱۴).

در نهج البلاغه خطبه شانزدهم حضرت علی (ع) مردم را به سه گروه تقسیم می‌کند:

- ۱- تکاپو گر پویا که نجات پیدا می‌کند.
- ۲- جوینده کندرو که برای او امید هست.
- ۳- تقصیر کنند تبهار که سقوطش در آتش است.

حضرت در ادامه خطبه می‌فرمایند انحراف به راست و چپ (افراط و تفریط) گمراهی، و جاده اصلی راه وسط است مسیر کتاب الهی و آثار رسالت از این جاده کشیده شده است روزنه‌های نجات بخش سنت پیغمبر به این جاده باز می‌شود و راه سرنوشت کمال انسانی به این جاده منتهی می‌گردد (۱۵).

این تعریف از انسان با معیارهای غیرالهی هماهنگی و سازگاری ندارد و برای رشد کمال آن روش‌های مناسب خود را می‌طلبد و دانشگاهی که چنین انسانی را باید مورد تعلیم و تربیت قرار دهد، باید دانشگاهی باشد الهی و با معیارهایی هماهنگ با این ارزشها. در این دانشگاه استاد، دانشجو، کتاب و متون درسی، مدیریت نظام آموزشی، قوانین و مقررات، همه باید رنگ الهی داشته باشند.

بنیانگذار جمهوری اسلامی حضرت امام خمینی (ره) می‌فرمایند:

«باید دانشگاه اسلامی بشود، تا علومی که در آن تحصیل می‌شود در راه تقویت ملت و با احتیاج ملت همراه باشند، معنی اسلامی شدن دانشگاه اینست که استقلال پیدا کنند و خودش را از غرب جدا کند و خودش را از شرق جدا کند و یک مملکت مستقل و یک دانشگاه مستقل و یک فرهنگ مستقل داشته باشیم.»

مقام معظم رهبری آیت‌الله خامنه‌ای نیز در این مورد می‌فرمایند:

«دانشگاه اسلامی مجموعه‌ای است که از

دانش، خلاقیت، تجربه و ذهنیت عالی انسانها به اضافه اخلاق و جهت صحیح این حرکت تا مقصد نهایی نشأت گرفته است.» ایشان همچنین می‌فرمایند:

«ما می‌خواهیم دانشگاه اسلامی جایی باشد که در آنجا فکرهای مستقل و نه وابسته و اهل دیکته بلکه فکرهایی که می‌جوشد و از نیازها سرچشمه می‌گیرد و از عمیق‌ترین خواسته‌های انسان نشأت می‌گیرد و توأم با بینش و دریافت درست از مسئولیت دانش است، مشغول کار شوند و تنها این هم کافی نیست که یک عده متخصص و مجرب و بلند اندیشه مشغول کار شوند، بلکه این هم لازم است که فرزندان بدانند که دانش کجای خلاء زندگی انسان را پر می‌کند و به چه کار انسان می‌آید و این احتیاج دارد به شناخت انسان بنابراین دانشگاه اسلامی از یک معرفت عمیقی از انسان و از نیازهای انسان برخوردار بوده و در کنار این معرفت و بر اثر این معرفت از یک سطح بالای دانش برخوردار است و انسانهایی در آن کار میکنند تا از دانش و تجربه اندوخته بشری به اضافه فعالیتها و ابتکارها و خلاقیتهایی که روز به روز به دست بشر می‌آید، مجموعه‌ای بسازند که انسان بتواند از آن مجموعه بهره‌برداری کرده و رستگاری و سعادت خودش را تضمین کند و این نمایی از دانشگاه اسلامی است.»

اهداف دانشگاه اسلامی

بطور کلی و با توجه به بررسی‌هایی که انجام شده و اظهار نظرهای مختلفی که درباره اسلامی شدن دانشگاه بعمل آمده مثل اینکه دانشگاه باید سیاسی باشد و یا اینکه آیین‌نامه خاصی باید

برای این کار تدوین شود و غیره ولی آنچه که در مجموع می‌شود نتیجه‌گیری کرد در صورتی دانشگاه بطرف اسلامی شدن سیر خواهد کرد که مسئولین بر اساس ایمان و شور و شعور اعتقادی و انقلابی در یک چهار چوب برنامه‌ریزی شده فعالیت کنند و این امر را بعنوان یک شغل و حرفه که در جنب سایر امور زندگی آنهاست تلقی نکرده بلکه احساس انجام تکلیف شرعی و ایمانی برخوردار کنند تا سطح روابط از پیش تعیین شده اداری که دیگر توان شکوفایی و خلاقیت را از دست داده است نرسد و در چنین شرایطی باید معیارهایی اسلامی برای تضمین استمرار این حرکت باشد که آنها را از میان معیارهای ارزش در اسلام می‌شود استنباط کرد که اهم آنها عبارتند از:

- ۱- حاکمیت خدا و پذیرش ولایت الهی و داشتن بینش الهی در کلیه امور دانشگاه
- ۲- پذیرش و اعتقاد قلبی به ولایت فقیه
- ۳- آمادگی برای جهاد در تمام سطوح
- ۴- مسئولیت پذیری و آمادگی برای ایثار در راه انجام وظیفه
- ۵- علم دوستی و پژوهش خواهی
- ۶- فراهم کردن تزکیه در خود و دیگران
- ۷- اعتقاد به امر به معروف و نهی از منکر در عمل
- ۸- آینده نگری
- ۹- آزادی خواهی

بعبارت دیگر همانطوریکه هر نظام آموزشی دارای یک مدل نظری در تعلیم و تربیت است و از میان مدل‌های تربیتی گوناگون که جوامع مختلف در زمانهای مختلف و با توجه به اعتقادات و نیازهای خود از مدل‌های افلاطون، کمنیوس، ژان ژاک روسو، مارکس، تامس هنری هاکسلی،

ژان پیاژه، برتراند راسل، جان دیویی و غیره بهره برده‌اند انتظار می‌رود دانشگاه اسلامی نیز براساس مدل تربیتی و فلسفه اسلامی طراحی و به مرحله اجرا در آید. حضرت امام راحل انتظار خود را از دانشگاه اسلامی در ترسیم خصوصیات این دانشگاه بیان کرده می‌فرمایند: «دانشگاه باید انسان بسازد و آدم تربیت کند. پرورش، اسلامی باشد و این از خانواده و شروع و تا آخرین مقاطع تحصیلی می‌تواند ادامه داشته باشد، استقلال فکری داشته و در دانشجویان ایجاد نماید، استقلال علمی و عملی برای جامعه فراهم نماید، نیازها و احتیاجات ملت و مملکت را تامین نماید و متخصصینی تربیت کند که وابسته به جایی نباشند و برای کشور خودشان خدمت کنند نه جای دیگری».

انتظارات وسیعی که از دانشگاه اسلامی می‌رود آنست که علم باشد و در حد اعلای آن ولی علم جهت دار یعنی علمی که در پیشاپیش آن توجه به غیبت و خدا باشد، تقوا و شعور انقلابی باشد و این توجه به علم باعث نشود که حتی یک لحظه از یاد خداوند تبارک و تعالی غفلت ایجاد کند.

در این صورت تمام افراد و عواملی که می‌توانند نقشی در دانشگاه اسلامی ایفا نمایند باید مورد توجه قرار گیرند و حتماً شرایط خاصی خواهند داشت که مهمترین آنها عبارتند از:

- ۱- استاد
- ۲- دانشجو
- ۳- مدیریت‌های دانشگاه
- ۴- نظام آموزشی
- ۵- گزینش دانشجو و استاد

۶- قوانین و مقررات

۷- دفاتر مقام معظم رهبری

۸- انجمن‌های اسلامی

۹- محیط آموزشی و سایر نهادها و شرایط که بدون آنها اسلامی شدن دانشگاه امکان پذیر نخواهد بود.

زیرا دانشگاه جزیره‌ای مجزا از سایر ارکان و امور جامعه نمی‌باشد و اگر از خانواده تا کلیه موسسات آموزشی، از مهد کودک گرفته تا مدارس پیش دانشگاهی چنانچه در جریان اسلامی شدن مدنظر قرار نگرفته و در یک مجموعه هماهنگ برای آنها برنامه‌ریزی نشود، هر اقدامی ممکن است نتایجی ببار آورد، ولی آیا این ما را به دانشگاه اسلامی و آن انتظارات که ذکری از آنها رفت خواهد رساند قطعاً جواب منفی است. علاوه بر آن از هر کدام از عوامل مؤثر در ایجاد دانشگاه اسلامی نیز توقعات و انتظاراتی بر مبنای مدل تربیتی و ارزشهای اسلامی می‌رود که خود بحث مفصل و جداگانه‌ای را می‌طلبد ولی بطور اختصار به بعضی از آنها اشاره‌ای می‌شود.

استاد دانشگاه اسلامی

استاد دانشگاه اسلامی یکی از ارکان بسیار مهم می‌باشد، پس انتظار می‌رود او انسانی مهذب و الگو باشد. بنابر این خودش باید الگویش بهترین انسانها باشد. «لقد کان لکم فی رسول الله اسوه حسنه لمن کان و یرجوا الله والیوم الآخر و ذکر الله کثیرا». (البته شما را در اقتدای به رسول خدا چه در صبر و مقاومت با دشمن و چه دیگر اوصاف و افعال نیکو خیر و سعادت بسیار نزد خداست برای آنکس که به ثواب خدا و روز قیامت

امیدوار باشد و یاد خدا بسیار) (۱۶).

و چه کسی بهتر از رسول الله که اسوه معلمان و اساتید باشد.

انتظار نمی‌رود که استاد دانشگاه اسلامی تنگ‌نظر و کوتاه‌بین باشد و یا آن مدرسی که سعی و تلاش نمی‌کند تا علم و آموخته‌های خود را در حد کمال مطلوب برساند.

برای آنکه هر مدرسی بتواند رسول الله را اسوه خود قرار دهد باید خود را آماده کند و شرایطی را در خود فراهم آورد که از یک استاد دانشگاه اسلامی انتظار می‌رود.

۱- صلاحیت علمی در حد بالا داشته باشد.

۲- علاقمند به پژوهش باشد.

۳- قدرت تدریس و جذب دانشجویان را در خود بوجود آورده باشد.

۴- ملتزم به احکام اسلام باشد.

۵- دارای جهان‌بینی بر مبنای اسلام باشد.

۶- دارای فضائل اخلاقی و مکارم انسانی الگو گرفته شده از رسول الله باشد.

۷- طالب کمالات اخلاقی و انسانی باشد.

۸- دارای بینش سیاسی و اجتماعی و درک مسایل روز باشد.

۹- دارای سعه صدر باشد.

۱۰- دارای خلاقیت و آفرینندگی باشد.

۱۱- آگاهی از مسایل جوانان و درک آنها داشته باشد.

۱۲- خود باوری و اعتماد به نفس و عزت نفس در خود ایجاد کرده باشد.

دانشجوی دانشگاه اسلامی

همانطوریکه استاد دانشگاه اسلامی باید یک ویژگی‌هایی را داشته باشد، از دانشجو نیز

انتظاراتی وجود دارد و برای او در مدل تربیتی اسلام ارج و قربی بس والا قابل شده‌اند. شهید ثانی در کتاب منیه‌المزید فی آداب المفید و المستفید چنین می‌گوید: «کسی که دوست می‌دارد نگاهش به چهره کسانی افتد که از آتش دوزخ در امانند باید به متعلمان و دانشجویان بنگرد. سوگند به کسی که جان درید قدرت او است. هر شاگرد و دانشجویی که بمنظور تحصیل علم بدر خانه عالم و دانشمند رفت و آمد می‌کند، در هر گامی که بر می‌دارد، ثواب و پاداش عبادت یکساله برای او منظور می‌گردد. برای هر قدمی که در این مسیر می‌نهد، شهر و دیار معمور و آبادی را در بهشت برای او آماده می‌سازد و او که بر روی زمین راه می‌رود، زمین نیز برای او طلب آموزش می‌کند. در تمام لحظات و آنات آنگاه که روزش را به شامگاهان می‌پیوندد، و شامگان را بروز می‌رساند، مشمول رحمت و مهر و آموزش الهی از شکنجه آتش دوزخ، آزاد و در امانند (۱۷).

اولین ویژگی دانشجوی دانشگاه اسلامی خواستن و جویا بودن است.

هر دانشجویی در دانشگاه اعم از اسلامی و غیر اسلامی می‌باید در جستجو و یافتن علم باشد، ولی فرق دانشجوی دانشگاه اسلامی آنست که این خواستن و این یافتن علم را برای رضای حق و رسیدن به یار می‌خواهد و اگر شیمی و یا فیزیک را مطالعه می‌کند و فرا می‌گیرد با ماکس پلانک به معبدی از علم می‌رود که بر سر در آن نوشته‌اند «اگر ایمان نداری وارد مشو» و هر آنگاه که نتوانست موضوعی را بفهمد و مسئله‌ای را درک کند خود را نمی‌بازد و شکی بخود راه نمی‌دد و گمان نمی‌کند که زمان

دینداری گذشته است.

در این مدل تربیتی از دانشجو انتظار می‌رود که علم و دانش را فقط برای رضای خدا بیاموزد و جز رضایت حق به چیزی دیگر توجه نکند. اگر دانشجویی هدف آموختن خود را بغير از خدا قرار دهد باعث خسران او خواهد شد.

برخی از مشخصات دانشجوی دانشگاه اسلامی عبارتست از:

۱- دانشجو باید قبل از هرچیز دارای بینش توحیدی باشد.

۲- تلاش جهت کسب آگاهی نسبت به کرامت ذاتی و شرافت وجودی خود داشته باشد.

۳- باید این خودسازی را در خود ایجاد کند و الگوهای رفتاری را از ائمه معصوم اخذ و به این اسوه‌های حسنه تأسی جوید.

۴- جهت بدست آوردن صلاحیت و قدرت تشخیص و درک ارزشها و تفاوت بین راه صواب و غیر صواب تلاش و کوشش نماید.

۵- باید به مطالعه و کتابخوانی و انتخاب کتاب مناسب علاقه داشته و عشق بورزد.

۶- قدرت پژوهش و نقد و بررسی مسایل موجود و آراء و عقاید در جامعه را داشته باشد، و یا در جهت کسب آنها حرکت نماید.

۷- در جهت رشد و پرورش استعدادها و کامل نمودن وضعیت روحی و روانی و تقویت بنیه علمی خود تلاش نماید.

۸- دارای بینش سیاسی، روحیه انتقادی، آزادی و آزادی‌خواهی باشد.

مدیریت‌های دانشگاه اسلامی

نخستین مدیر در جامعه اسلامی پیامبر اکرم

(ص) بوده است. در کتاب آسمانی این رسول رحمت بعد از کلمه الله که ۲۷۰۰ بار تکرار گردیده، کلمه رب را بیش از هزار بار ذکر نموده که در فرهنگ لغات برابر معنای مدیر، مالک، مربی، منعم و قیم آمده است (۱۸). با توجه باینکه اداره کردن و سرپرستی جامعه در کل و در زیر مجموعه‌ها و تشکیلات بوجود آمده نشأت گرفته شده از ارزش‌ها و باورهای مکتب است و به اجرا در آمدن آنها بمیزان زیادی وابسته به اعتقاد و توانایی‌های مدیران مربوطه می‌باشد. مهمترین وظایف یک مدیر عبارتست از برنامه‌ریزی، سازماندهی، امور کارگزینی و پرسنلی، هدایت، هماهنگی، گزارش‌دهی، بودجه‌بندی و آینده‌نگری است. اما در مدیریت اسلامی مدیر علاوه بر انجام وظایف مذکور، هدف و جهت‌گیری دارد که با هرگونه مدیریت دیگر اعم از علمی و یا انسانی بکلی فرق دارد. مدیریت اسلامی اداره کردن جامعه را دگرگون نموده و مدیر را از جایگاه قدرت مطلقه و استبدادی خارج کرده و بصورت عضوی که خود را برادر و همکار افراد و نیروی کار مرتبط بخود می‌داند در می‌آورد، (انما المومنون اخوه) (۱۹) که رابطه آنها بر مبنای اعتقاد و ایمان است. تفاوت اصولی این مدیریت در این است که افراد با آزادی، اختیار خود را در دست مدیر قرار داده و مدیر نظم و انضباطی را که ایجاد می‌نماید از راه تفکر آزاد و اشراق درون و برگرفته شده از کتاب و سنت رسول الله است، که همه امور خیر خواهانه و انسان‌ساز بوده که انسان را در مسیر رشد و هدایت قرار داده تا بسر منزل مقصود برسد. اما مدیریت در دانشگاه اسلامی برای ایجاد هماهنگی، همسویی و وحدت رویه در

سیاستگذاری برنامه‌ریزیها و تصمیم‌گیری‌ها می‌باشد تا بر اساس تقویت تفکر در دانشجوی و استاد و پایه‌گذاری تفکر دینی و راهنمایی به سمت فطرت پاک بشری باشد، بطریقی که تفسیر فلسفه زندگی براساس بینش وجدانی و توحیدی بوده و در این مسیر کلیه امور را معنی و اجرا کند. شک نیست بجز در ادیان الهی مدیریت در مکاتب مختلف اعم از آنانکه اصالت را به فرد و نیروی کار می‌دهند یا آنانکه اصالت را به سازمان و تشکیلات و نظام مربوطه می‌دهند درگیری بر سر قدرت و اقتدار می‌باشد. هدف مدیریت در دانشگاهی که براساس اصول انسانی و ملی باشد و وابسته نباشد حداکثر رسیدن به خودکفایی، هدفی بالاتر و غایی بیافریند و آن رسیدن به اسلام واقعی و ناب محمدی است که محقق شدن لقاءالله برای استاد، دانشجو و کلیه آحادی است که در این مجموعه قرار دارند. امام صادق (ع) فرمود: از رحمت خداوند دور است آن بی‌صلاحیتی که با ظاهرسازی و تصنع، پست مدیریت را اشغال کند و یا برای رسیدن به آن تلاش نماید و یا چنین فکری را در سر بپروراند (۲۰) در مورد چنین افرادی قرآن مجید در سوره کهف فرموده دو گروه نمی‌توانند مسئولیت و مدیریت مسلمین را بعهده بگیرند:

۱- کسانیکه خدا را فراموش کرده‌اند.

۲- کسانیکه از هوای نفس و شهوات نفسانی پیوری می‌نمایند.

(ولاتطع من اغفلنا قلبه عن ذکرنا و اتبع هواه و کان امره فرطاً) یعنی و فرمانبرداری مکن از کسانیکه دل‌هایشان از یاد ما غافل است و تبعیت از هوای نفس می‌کنند و کارشان افراط و

تفریط است (۲۱).

در دانشگاه اسلامی چون همه جهت‌ها بسوی یار و معشوق اصلی است و همه نیروها در حال شدن هستند هرکس به اندازه ظرفیت و توانایی خود مسئول است (کلکم راع و کلکم مسؤل عن عیته) (۲۲) و یا (لا یکلف الله نفسا الا وسعها) (۲۳)

در نظام اسلامی برخلاف سایر مکتب‌ها که همه قدرت را در اختیار مدیر قرار می‌دهد، همه افراد مسئول هستند و رسول اکرم می‌فرماید هرکسی صحیح کند و بامور مسلمین همت نگمارد مسلمان نیست (۲۴). مرحوم مجلسی علیه الرحمه می‌فرماید ریاست بد و خوب دارد، ریاست خوب آنست که باریتعالی به پیامبران و اوصیا علیهم‌السلام داده و همینطور کار قاضی و امام جماعت و تدریس و واعظ و هر منصب شرعی که مقصود رئیس از پذیرفتن مسئولیت، دلسوزی برای مردم و جلوگیری از فساد و منکرات می‌باشد و این ریاست واجب کفایی و گاهی واجب عینی است و ریاست مذموم و ناپسند آنستکه شخص رئیس از منصبش سوء استفاده کند و مقصودش بدست آوردن اغراض پست دنیا باشد و این اخبار بر وجوه مذمومه و ناپسند آن حمل شود یا بر اینکه کسی نفس ریاست را دوست داشته و جاه‌طلب باشد. و غرض شرعی مستحسنی از آن نداشته باشد (۲۵). کار مدیر در نظام اسلامی کار سهل و ساده‌ای نمی‌باشد زیرا مدیر مسئول است نه تنها در برابر خلق که در برابر خالق نیز مسئول است. کسی که می‌خواهد چنین موسسه‌ای را اداره کند باید دارای یک شرایط ویژه‌ایی باشد که خصایص آن عبارتست از:

۱- تعهد و التزام قلبی و عملی به اسلام

الف - ایمان، مهمترین خصیصه درونی مدیر

ب - تقوی

پ - اعتقاد به ولایت فقیه

ج - ملتزم به احکام اسلامی، وفای به عهد، صداقت، تعادل، ساده زیستن، اخلاص، عفو و اغماض، سعی و جهد و تزکیه و حسن خلق، نیت خالص، تواضع، تول، سعه صدر، مبارزه با نفس (۲۶)

۲- توانایی شخصی و تخصصی

الف - باهوش، مطمئن به خود، خوددار،

شجاع، کاردان، مبتکر و توانا در سرپرستی.

ب - کاردانی، قدرت و توانایی اداره امور، توانایی

جسمی، دارای تخصص کافی در امور ذیربط.

۳ - داشتن سابقه اجتماعی خوب و مناسب و

مورد وثوق و اعتماد مسئولین نظام اسلامی باشد (۲۷).

کلام آخر

مباحث کلی، اهداف، انتظارات و برخی از ویژگیهای عناصر بوجود آورنده اصلی دانشگاه اسلامی بطور بسیار خلاصه که در حد بضاعت ناقص نویسنده و مجال این مقاله بود مرور گردید، ولی ممکن است افرادی بگویند با این مشخصات و خصایص که برای دانشجو، استاد، مدیر و سایر اقشار که نذری نیز بعمل نیامد و طبعاً همه عناصر باید با هم همخوانی و هماهنگی داشته باشند از کجا باید چنین افرادی را پیدا کرد؟ و شاید تصور کنند که نمی‌شود، کما اینکه برخی افراد بصراحت و یا در لفاظیه بیان می‌کنند،

این دانشگاه که باید افراد را بسازد خود بشدت نیازمند ساختن و تغییر بنیادی است که این جریان دور است و باطل است.

امام خمینی رحمة الله علیه یاوران خود را از میان جوانان برگزیدند و نیروی اصلی همانها بودند و هستند. بنظر اینجانب جوانان نیروهایی پاک و مخلص هستند که نیروهای بالقوه‌اند و باید آنها را به نیروهای بالفعل تبدیل کرد. دانش‌آموزان، دانشجویان و کلیه جوانان نیروهای مستعدی هستند که خداوند بر ما منت نهاده و این نیروهای مؤمن را در اختیار ما قرار داده است و ما مسئولیم که آنچه را که در توان داریم در طبق اخلاص گذارده و به پرورش آنها همت بگماریم و بقول کائنات از آنها آدم بسازیم، آن آدمی که دین مبین اسلام مشخصات آنرا در قرآن کریم بیان فرموده است، و آن مؤمن است. به امید آنکه از زیان کاران نباشیم و سعی و کوششمان رسیدن به ذات حق باشد و عشق به او که هر تمدن و پیشرفت و صنعتی که بغیر از رسیدن به اوست ناقص است و عشق یار است که رو بسوی نور و کمال دارد. هرچه در این وادی پیش روی بازهم افقهای بالاتر و بالاتری خواهی یافت تا بالاخره به زیبایی مطلق و جمال یار واصل گردی، و در این راه حرف و بحث بسیار که از حوصله این مقاله خارج و برای اسلامی شدن دانشگاه و حرکت بسوی کمال و جمال یار در این است که بینش الهی باشد و هرچه که می‌بینی جز او نباشد. بخشی از حرفهای گفتنی و انتظاراتی که از دانشگاه اسلامی وجود دارد مطرح شد و بسیاری ناگفته ماند. همانطوریکه از شروع حرکت انقلاب فرهنگی این مسئله از ابعاد مختلف

مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است، و بفرموده مقام معظم رهبری، بسیار از حرف‌ها و بحث‌ها شده است «عمل لازم است، عمل».

منابع:

- ۱- بیانات مهم امام امت خمینی کبیر در دیدار با اعضای ستاد انقلاب فرهنگی. مجله دانشگاه انقلاب شماره مرداد ۱۳۶۰ ص ۵
- ۲ و ۳- سخنان امام در دیدار با اعضای جهاد دانشگاهی علم و صنعت (دوشنبه ۶۰/۳/۴) مجله دانشگاه انقلاب شماره ۱، ۲۲ خرداد ۱۳۶۰، ص ۵ و ۶) و بیانیه دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی، مجله دانشگاه انقلاب شماره ۱، خرداد ۱۳۶۰، ص ۷
- ۴ و ۵- شهید مظلوم آیت الله دکتر بهشتی، انقلاب فرهنگی جامعه شناسی و تعلیم و تعلم در اسلام. مجله دانشگاه انقلاب، شماره ۱۱، اردیبهشت ۶۱، ص ۵
- ۶ تا ۱۳- قرآن مجید، فرقان سوره ۲۵ آیات ۶۲ الی ۷۳ ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای
- ۱۴- قرآن مجید، بقره سوره ۲ آیه ۲۰ ترجمه مرحوم مهدی الهی قمشه‌ای
- ۱۵- علامه محمدتقی جعفری، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه جلد چهارم
- ۱۶- قرآن مجید، احزاب سوره ۳۳ آیه ۲۱ ترجمه مرحوم مهدی الهی قمشه‌ای
- ۱۷- دکتر سیدمحمدباقر حجتی، آداب تعلیم و تعلم در اسلام، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، خرداد ۱۳۵۹
- ۱۸- حسام‌الدین بیان، آئین مدیریت دولتی، ۱۳۷۲ ص ۱۶
- ۱۹- قرآن مجید، حجرات سوره ۴۹ آیه ۱۱ ترجمه مهدی قمشه‌ای
- ۲۰- اصول کافی جلد ۲ ص ۲۹۸
- ۲۱- مختار مسعود، «تخصصها و شروطی که از نظر اسلام باید در یک مدیر وجود داشته باشد». نگرشی بر مدیریت در اسلام، مجموعه مقالات ارائه شده در چهارمین سمینار بین‌المللی مدیریت اسلامی
- ۲۲- میزان الحکم جلد ۴، ص ۲۲۷
- ۲۳- قرآن مجید، بقره سوره ۲ آیه ۲۸۶ ترجمه مرحوم مهدی الهی قمشه‌ای
- ۲۴- اصول کافی، جلد سوم، باب همت گماشتن بامور مسلمین و خیرخواهی سود رساندن به آنها حدیث شماره ۱ ص ۲۳۸
- ۲۵- اصول کافی جلد سوم، باب ریاست‌طلبی، قسمت شرح ص ۴۰۷
- ۲۶- علیرضا علی‌آبادی، مدیران جامعه اسلامی، نشر رامین ص ۳۳۷ الی ۳۳۸
- ۲۷- روابط عمومی سازمان امور اداری و استخدامی کشور، تعریف مدیریت و شرایط اوصاف مدیر ص ۱۵